

جستاری در فرهنگ عامیانه سرزمین طلای سرخ (قاینات)

احمد لامعی گیو، دانشیار دانشگاه بیرجند
AhmadLamei@birjand.ac.ir
زهره سلمانی، دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه بیرجند
salmani.zohre@yahoo.com

چکیده

فرهنگ هر جامعه، باورها و اعتقادات آنان است که هویت ملی و دینی جوامع مختلف را نشان می‌دهد. این خصوصیات را می‌توان در ضرب المثل‌ها، داستان‌ها و آیین‌ها و آداب و رسوم‌هایی که مردم به کار می‌برند، مشاهده کرد. برخی از این باورها در شهر قاین وجود دارد که هنوز بکر و دست‌نخورده باقی مانده و همچنان هویت اصیل خویش را حفظ کرده است. پژوهشگران در این پژوهش، داده‌ها را به شیوه میدانی و با تتبع در منابع کتابخانه‌ای جمع‌آوری نموده و کوشیده‌اند با پردازش اطلاعات و توصیف و تحلیل آنها، باورها و اعتقادات مورد قبول و احترام مردم قاینات را تبیین نماید و گامی هرچند اندک در راه صیانت از آداب و رسوم و سنت‌های بومی و سرمایه‌های معنوی و کهن این بقعه از ایران متملن و با پشتوانه فرهنگی غنی و عتیق و انتقال آن به نسل‌های آیند، بردارند. نتایج این جستار نشان می‌دهد که باورهای عامیانه متعدّد و متنوعی، همچون دیگر مناطق خراسان جنوبی، در بین مردم قاین وجود دارد که اکثراً فاقد استدلال عقلی و منطقی بوده و ریشه در داستان‌های قدیمی داشته و غالباً توسط عوام، سینه به سینه نقل شده است.

واژگان کلیدی: فرهنگ عامیانه، قاین، باورها و اعتقادات، آیین‌ها.

۱. مقدمه

فرهنگ خراسان میراثی است که از گذشتگان به ارث رسیده و اکنون به دست ما رسیده است؛ در واقع جزئی از زندگی مردم ایران است که به زندگی‌شان ارزش بخشیده است. فرهنگ هر ملتی دارای یکسری خصایصی است که باعث جدایی جوامع از یکدیگر شده است. معولاً در گذشته مردم برنامه‌های خاصی را در مراسمات شادی و عزا داشتند که این رسومات در قاین و برخی از روستاهای خراسان جنوبی هم دیده شده است و هر کدام از این مناطق برای خاطرانگیز کردن جشن‌های خود این برنامه‌ها را انجام می‌دادند و این‌ها همه بیانگر این است که مردم به فرهنگ و آداب و رسوم خویش پایبندند. پژوهشگران در این زمینه می‌گویند: «مدرن شدن انسان و عدم تمایل فرزندان به یادگیری گویش‌های پدران و مادران و نگاه تحقیرآمیز برخی به گویش‌های ملی در محیط‌های رسمی و غیر رسمی ممکن است در دراز مدت موجب از بین رفتن این گویش‌ها و زبان‌های محلی گردد» (بهنام‌فر و دیگران، ۱۳۹۴: ۲). بخش عمده‌ای از فرهنگ عامه را زبان و ادبیات عامه شفاهی تشکیل می‌دهد که شامل لغات و ترکیبات، ضرب المثل‌ها و ترانه‌ها می‌باشد. امروزه با پیشرفت جوامع و رواج وسایل ارتباطی مثل اینترنت، رادیو، تلویزیون حس تقلید گرایانه موجب شده که برخی از گویش‌ها از بین برود (همان: ۳ و ۲).

۱-۱- بیان مسأله

آنچه به‌عنوان فرهنگ مردم، می‌شناسیم بیانگر زندگی مردم است. فرهنگ مردم آمیخته‌ای از ضرب المثل‌ها، آداب و رسوم و رفتارهای اجتماعی و ... است که در شهرستان قاین دیده می‌شود.

«این فرهنگ به شخص یا گروه خاصی وابسته نیست بلکه تجربیات بشر در گذشته است و همین تجربیات و آداب و سنت‌ها است که به جامعه هویت می‌بخشد و آن را از دیگر جوامع متمایز می‌کند» (بیهقی، ۱۳۶۵: ۲۲ و ۲۱). نویسنده مقاله «قاینات در گذر تاریخ»، در این مجال می‌نویسد: «فرهنگ مردم قاین آمیخته‌ای از فرهنگ ملی - وطنی و دینی است که ضرب‌المثل‌ها، آداب و رسوم و رفتارهای اجتماعی و... به خوبی بیانگر این است که تاکنون هویت خود را حفظ کرده و مردمی آرام، قانع، ساده، خونسرد و دانش‌دوست می‌باشند» (شیخی و فرخی، ۱۳۸۳: ۸۷).

واژه قاین در متون پهلوی و قبل از اسلام، کاین نوشته شده «کاین را کی لهراسب، پدر گشتاسپ، ساخت. اگر قاین را معرب کاین بدانیم به معنی وجود و هستی خواهد بود». برخی قاین را نام اولین آدمی زاده دنیا پنداشته‌اند. قاین همان قابیل است. (سعیدزاده، ۱۳۷۱: ۲۷-۲۵) (آینی، ۱۳۷۱: ۱۵-۷).

شهرستان قاینات (طلای سرخ) در استان خراسان جنوبی قرار دارد؛ که از شمال به شهرستان‌های خواف و گناباد از توابع خراسان رضوی و از جنوب به شهرستان‌های بیرجند و درمیان و از غرب به شهرستان‌های فردوس و سرایان و از شرق به شهرستان زیرکوه محدود شده‌است.

قاینات از اولین مناطق زیستگاه بشری می‌باشد که سابقه سکونت بشر در غار خونیک که در هجده کیلومتری جنوب قاین است به ۳۰۰۰۰ سال پیش از میلاد می‌رسد. این شهر از کهن‌ترین شهرهای تاریخی استان خراسان جنوبی است که سابقه آن به پیش از اسلام می‌رسد (رجبی، ۱۳۸۴: ۵۸).

مردم قاینات بیشتر به زبان فارسی دری صحبت می‌کنند و از نژاد آریایی‌ها هستند مردم این شهرستان پیرو آیین اسلام و مذهب شیعی می‌باشند. «قاینات از آب و هوای نیمه بیابانی و ملایم برخوردار است؛ به همین دلیل چندان مورد توجه افراد بیگانه قرار نگرفته و زبان این خطه کمتر دچار آمیختگی و اختلاط گردیده‌است» (میرزایی، ۱۳۸۹: ۱۸۹). قهستان (کُهستان) واقع در خراسان جنوبی است و قاین یکی از شهرهای مهم ایالت قهستان می‌باشد که به دلیل کوهستانی بودن این منطقه کم‌تر مورد هجوم بیگانگان قرار گرفته‌است.

۲-۱- پیشینه تحقیق

تاکنون درباره موضوع مورد مطالعه، پژوهش‌هایی انجام شده که از باب امانت‌داری و رعایت اخلاق علمی، به ذکر بارزترین آن‌ها می‌پردازد.

۱. مقاله‌ای با عنوان «پاره‌ای از ویژگی‌های واژگانی گویش زیرکوه قاینات» نوشته محسن صادقی (۱۳۸۵) در این پژوهش به برخی از گویش‌های مردم این منطقه پرداخته‌است.

۲. کتاب سرزمین و مردم ایران نوشته عبدالحسین سعیدیان (۱۳۶۹). در این کتاب از جغرافیای تاریخی، طبیعی، سیاسی و اجتماعی ۲۴ استان ایران، تاریخ نژادی اقوام ایرانی و آداب و رسوم آن‌ها به بحث و گفت‌وگو پرداخته‌است.

۳. عقاید و رسوم عامه مردم خراسان نوشته ابراهیم شکورزاده (۱۳۴۶) بیشتر به آداب و رسوم و عقاید و عادات اقوام ملل گوناگون پرداخته‌است.

۱- همانطور که ملاحظه شد پژوهشگران از ابعاد و زوایای مختلف به عقاید و آداب و رسوم مردم ایران پرداخته‌اند؛ اما تا آنجا که مطالعات نشان می‌دهد، هیچ پژوهشی در مورد (بررسی فرهنگ عامه مردم قاین) انجام نشده‌است.

۲- نگارنده در این پژوهش بر آن است که به یاری پروردگار در جهت احیای فرهنگ غنی و عتیق این منطقه از هیچ‌گونه تلاشی دریغ نکند و بتواند گامی هرچند اندک در عرصه ادبیات عامیانه بردارد.

این پژوهش می‌کوشد به سوالات ذیل پاسخ دهد:

- ۱- میزان رواج باورهای عامیانه در بین مردم قاین چه مقدار است؟
- ۲- دلیل بازتاب این باورها در بین مردم چیست؟
- ۳- این باورها و عقاید بر روی زندگی مردم چه تاثیری داشته‌است؟

۴- ۱- فرضیه‌ها

پاسخ‌های احتمالی این تحقیق عبارت است:

- ۱- اینگونه باورها در میان بیشتر مناطق خراسان رایج بوده؛ اما اموری از قبیل بی‌سواد و نداشتن دانش کافی آن‌ها از عوامل اصلی رواج این باورها در بین مردم بوده‌است.
- ۲- مجموعه آیین‌ها، آداب و رسوم، باورها و بسیاری از اعتقادات در این شهر است که بخش عظیمی از این آثار از گذشتگان به جا مانده و به دست ما رسیده‌است.
- ۳- این باورها در میان مردم رواج یافته‌است و بر اساس عقاید و رسومی که از گذشتگان خود به ارث برده‌اند یک سری اعمال را سعد و یک سری اعمال را نحس می‌دانسته‌اند.

۵- ۱- ضرورت، اهمیت و هدف

امروزه با پیشرفت علم و دانش و مهاجرت مردم به شهر بیشتر آداب و رسوم و باورها کم‌رنگ شده و بسیاری از آن‌ها دست به فراموشی سپرده‌اند. از آنجا که شهر قاین هنوز در برگزاری مراسم‌ها و آیین‌های مذهبی خود پایبند می‌باشد در این پژوهش سعی شده تا باورهایی که مورد قبول مردم است و جلوه‌های ظهور آن را در بین مردم بیان نموده و به ذکر نمونه‌هایی از این باورها پرداخته شود.

۶- ۱- روش تحقیق

روش انجام کار در این پژوهش به صورت کتابخانه‌ای می‌باشد؛ بدین گونه ابتدا با مراجعه به کتابخانه‌ها و منابع و کتاب‌های مورد نیاز شناسایی گردید؛ لذا با فیش‌برداری و تجزیه و تحلیل و طبقه‌بندی آن‌ها صورت گرفته است. این پژوهش دارای رویکرد توصیفی - تحلیلی از طریق مصاحبه و ... است. از آنجا که موضوع پژوهش بررسی فرهنگی عامیانه مردم قاین است، نگارنده سعی نموده است که با تفکیک آداب و رسوم و اعتقادات باورهای عامیانه مردم، آیین‌ها و ضرب‌المثل‌ها و ... بپردازد.

بعد از بیان مقدمات پژوهش اینک به بدنه اصلی نوشتار که این تحقیق در صدد بیان تبیین برخی از ناگفته‌های فرهنگی مردم قاین می‌باشد می‌پردازیم.

۲. آداب و رسوم محلی

معمولا مردم در مناسبت‌های مختلف، آداب و رسوم خاص خود را دارند که این آداب و رسوم روز به روز در حال فراموش شدن است. که ریشه آن‌ها به گذشته بر می‌گردد. این رسم و رسومات در قاین و بخش‌هایی از مناطق خراسان جنوبی هم انجام می‌شود و هر کدام از این مناطق آداب و رسوم خاص خود را دارند. در بحث آداب و رسوم به موارد مختلفی مانند: خواستگاری، عروس‌کشان، جشن‌ها و اعیاد، باورها و اعتقادات به ذکر نمونه‌ای از آن‌ها می‌پردازیم.

۲-۱ مراسم انتخاب همسر

در قدیم معمولا در شهر قاین رسم بر این بوده که دختر و پسر در همان ایام کودکی به اسم یکدیگر می‌کرده‌اند و

دستمالی را بر سر دختر می‌بسته‌اند و اینگونه نامزد هم می‌شدند و عروس آن خانواده می‌شد؛ ولی در دیگر مناطق خراسان جنوبی رسم بر این بود که زنی از نزدیکان داماد به خواستگاری می‌رود، وقتی به جلوی خانه دختر می‌رسد در می‌زند، «مادر دختر از اندرون می‌پرسد: کینه کینه؟^۱ زن می‌گوید: درِ وا کُنه^۲، درِ وا کُنه^۳، بُر شما حنا می‌آرم^۴. مادر دختر جواب می‌دهد: بابا نشوهِ رَضی^۵، حنایون شما از خُودِ شما، دخترِ نَدَرَم^۶ بر شما، بُر دختر ما چی بپرده یی؟^۷ زن پاسخ می‌دهد: صد آختِه و صد بختِه^۸، صد مه آرد وَر رختِه^۹، صد پلاس و صد قه لی^{۱۰}، صد لحاف و صد نه لی^{۱۱}، صد گُره و صد اسبی، صد تَمَن عَب بَسی^{۱۲}! آنوقت مادر دختر راضی می‌شود و می‌گوید: بابا بشوهِ رَضی^{۱۳}، وختِه کِه شوهِ رَضی، همو صد تَمَن عَب بَسی» (شکورزاده، ۱۳۴۶: ۱۴۳).

ولی امروزه بعد از انتخاب همسر با وساطت اقوام تحقیق و بررسی انجام می‌شود. یکی از زنان مسن به خانه عروس رفته و موضوع را مطرح می‌کند که به این مراسم «کد خدایی» می‌گویند. بعد یک شبی را به نام «بله‌برون» مشخص می‌کنند که در این شب داماد برای عروس حلقه‌ای می‌آورد که به‌عنوان نشونی به عروس می‌دهند که به آن کلیکی یا همان انگشتری می‌گویند (رجبی، ۱۳۸۴: ۱۸۸).

در روستاها یک جفت کفش به‌عنوان نشانی به اندازه پای عروس تهیه می‌کنند و کفش و کلیکی را با مقداری نقل و نبات، قند و چای و حنا در سینی قرار می‌دهند و به خانه دختر می‌برند، چون موافقت حاصل شد زنان دف می‌زنند و شادی می‌کنند. سپس خانواده عروس . داماد به بازار می‌روند تا آینه و شمعدان و سایر لوازم را بخرند (سعیدیان، ۱۳۶۹: ۵۵).

۲-۲ مجلس عقدکنان

در هنگام خطبه عقد در پیش داماد قرآن، آینه، ظرف آب و زیر زانوی او یک متکا قرار می‌دهند تا در پایان خطبه بر سر یک مجرد بکوبد تا بختش بازگردد. در مجلس زنانه، زنان بر بالای سرشان قند می‌سایند زمانی که عروس بله گفت مجلس پر از شادی می‌شود و هدایا تقدیم آنان می‌شود. بردن داماد به خانه عروس را «سرسرو» گویند که با خواندن سوره الرحمن و صدای شاپاش شاپاش که به صورت پیاده یا با اتومبیل همراه است. عروسی‌های گذشته سه مرحله داشته است. ۱. هیزم آوردن که معمولاً چند نفر از اقوام داماد به جمع‌آوری هیزم می‌رفته‌اند و با الاغ آن‌ها را به روستا حمل می‌کردند و با دهل و سپند از آن‌ها استقبال می‌شد ۲. مراسم حنابندان ۳. مراسم عروس کشان

۲-۳ مراسم حنابندان

یک سینی پر از حنا که آن را تزیین نموده و پارچه سفیدی بر روی آن می‌گذارند که اقوام عروس و داماد هدایای

^۱ کیه کیه؟

^۲ در را باز کنید.

^۳ برای شما حنا آورده‌ایم.

^۴ پدر راضی نمی‌شود.

^۵ نداریم.

^۶ برای دختر ما چه آورده‌اید؟

^۷ گوسفند نر سه ساله.

^۸ صد من آرد الک کرده.

^۹ قالی.

^{۱۰} تشک.

^{۱۱} صد تومان عباسی.

^{۱۲} وقت است که راضی شود.

نقدی خود را در داخل آن قرار می‌دهند تا عروس اجازه دهد که دستانش را حنا بندند. این مراسم با ساز و دهل و پایکوبی همراه است (رجبی، ۱۳۸۴: ۱۸۸).

با آهنگی مخصوص این شعر را در مراسم حنابندان می‌خوانند:

عروس حنا مبنده به دست و پا مبنده

حنای راه کاشون چه خوش ادا مبنده

عروس حنا مبنده با دست و پا مبنده

اگر حنا نباشه طوق طلا مبنده» (شکورزاده، ۱۳۴۶: ۱۵۶).

۴-۲ مراسم عروس کشان

خانه حجله را آماده کرده و عروس را به خانه داماد می‌برند و در مسیر راه گوسفندی را قربانی می‌کنند. وقتی عروس جلوی خانه داماد رسید می‌ایستد و خویشان داماد، هدایایی به عروس می‌دهند تا او را راضی کنند. داماد به عروس اناری می‌دهد تا بر سر در خانه به نشانه نیکبختی و روشنی بزند؛ پس از آن وارد خانه می‌شود (رجبی، ۱۳۸۴: ۱۸۸). در گذشته، زمانی که عروس را به خانه داماد می‌بردند این اشعار خوانده می‌شد

«می‌رود امشب عروس بر خانه بختش کن مبارک مقدم وی را در آن نو خانه‌ای

دختری خوشبخت و خوش‌رو می‌رود بر حجله‌گاه بوده او از بهر داماد دلبر جانانه‌ای

بار الها زوج را خوشبخت فرما با وفا اولین فرزند عطا کن یک پسر دردانه‌ای» (همان: ۱۸۸).

۵-۲ پاگشا

این رسمی است که چند روز بعد از عروسی انجام می‌شود که هنوز در میان اغلب مردم رایج است. خانواده عروس بعد از مراسم عروسی از عروس و داماد و بستگان و خویشان خود دعوت می‌کنند و عروس و داماد نیز وظیفه دارند به دیدار آن‌ها بروند که به این مراسم «پاگشا» گویند. به این ترتیب پای عروس و داماد به‌عنوان یک زوج جوان به خانه آن‌ها باز می‌شود (رضایی، ۱۳۸۱: ۶۴۸).

۶-۲ عقاید و باورهای فرهنگی

وقتی داماد وارد اتاق عروس می‌شود معتقدند که هر کدام زودتر پای دیگری را لگد کند در طول زندگی حرف او بر دیگری برتری دارد.

در پیش پای عروس و داماد گوسفند قربانی می‌کنند و از خون آن به کف کفش آن‌ها می‌مالند تا خوشبخت شوند. وقتی عروس و داماد را به حجله می‌برند، دست راست و پای راست داماد را می‌شویند و آب آن را به نیت سفیدبختی بر چهار گوشه خانه می‌پاشند. پوشیدن لباس سیاه را نشانه بدیمنی و دشمنی می‌دانند (همان: ۱۸۸). اعتقاد دیگری نیز هست که اگر در مراسم عروسی گرد و غبار به وجود آید نشان‌دهنده این است که داماد ته‌دیگ فراوان می‌خورد.

۳. باورهای عامیانه

باورهای عامیانه معمولاً اعتقاداتی است که مردم به آن پایبند هستند و به آن‌ها عمل می‌کنند که بسیاری از آن‌ها استدلال عقلی و منطقی ندارد که در ادامه به برخی از این باورها اشاره می‌گردد.

- اگر قد کودکی را وجب کنند، هم قدش کوتاه می‌ماند و هم از عمرش کسر می‌شود.
- تار عنکبوت باعث فقر می‌شود باید خانه را تمیز کنی.

- اگر دو نفر بر روی هم آب بریزند نسبت به هم تنفر پیدا می‌کنند.
- اگر کسی به لباس در تنش دکمه‌ای بدوزد عمرش کم می‌گردد.

«دو لنگه کفش، پاشنه به پاشنه در کنار هم جفت شود در آن خانه حادثه از دست دادن یکی از عزیزان رخ می‌دهد. اگر چشم کسی صبح به گریه بيفتد آن روز برای او نحس خواهد بود. اگر پیشانی بچه را ببوسند، بچه زودرنج و حساس می‌شود. اگر کف پای بچه را ببوسند عمرش کوتاه می‌شود. اگر از روی نوزاد عبور کنند، کودک دیر زبان باز می‌کند و دیر راه می‌افتد. دیدن اسب سفید در بیداری یا در خواب مراد است» (شکورزاده، ۱۳۴۶: ۲۸۴-۲۶۷).

«اگر استکان‌ها ردیف شوند، قند در داخل استکان چای بيفتد یا کف پای فردی بخارد برایش میهمان می‌آید. اگر دو خواهر با دو برادر عوض بدل کنند یکی سیاه‌بخت می‌شود. مرغی که شب آواز بخواند را بدیمن می‌دانند. گردش پروانه به دور چراغ را روح مرده می‌دانند که برای دیدن اقوام خود آمده‌است. اگر نان در سر سفره بایستد میهمان می‌آید. اگر کودکی اتاق را جارو کند میهمان می‌آید. آب ریختن پشت سر مسافر را بدان معنا می‌دانند که مثل آب به سلامتی از سفر برگردد. در روز شنبه، پول خرج کردن و ناراحت بودن را خوب نمی‌دانند. اگر لقمه غذا از دست بيفتد برای انسان شادی به ارمغان می‌آورد و اگر لقمه در گلو گیر کند برایش سوغات می‌آید. اگر دود به طرف شخصی برود آن فرد ثروتمند می‌شود. اگر بعد از خوردن چای، استکان را وارونه بر روی نعلبکی بگذارند به معنای قهر و بی‌احترامی به صاحب‌خانه می‌باشد. اگر بعد از خوردن چای، استکان را بر روی نعلبکی بخوابانند یعنی میل به چای ندارند» (رجبی، ۱۳۸۴: ۱۹۵ و ۱۹۴).

- اگر قیچی را باز و بست کنیم دعوا می‌شود.
- پوشیدن چادر به صورت وارونه را برای خانم‌ها درست نمی‌دانند.
- در حیاط بیل را بر سر شانه خود قرار نمی‌دادند زیرا دعوا می‌شد.
- ظرف سیاه یا تغار را شب از خانه بیرون نمی‌برند و این کار را خوب نمی‌دانستند.
- پشت سر مسافر جارو کردن را صحیح نمی‌دانند.
- اگر سیاه دانه روی زمین بریزد و لگد شود جنگ و دعوا به راه می‌افتد.

ساعت: منظور از آن روز و وقت سعادت است که برای انجام کار مناسب باشد که در گذشته رسم بر این بود که برای انجام دادن کارهای مهم مانند عقد و عروسی، سفر، خانه نو و ... روز و ساعتی طبق احکام نجوم سعد بوده که با نظر اشخاص باتجربه در این زمینه، انتخاب می‌کردند و به این عمل ساعت دیدن می‌گفتند و مردم بر این باور بودند که باید اینگونه کارها را در ساعات سعد انجام دهند. این باور همچنان نیز رایج است و مردم به آن معتقدند (رضایی، ۱۳۸۱: ۶۱۸).

۳-۱ - طب عوام

مردم قاین معمولاً به عقاید خویش پایبندند از این رو هرگاه که بیمار می‌شوند به سراغ افراد کهنسال که طب را از پدران خود و یا با تجربه و تمرین به خواص گیاهان دارویی پی برده‌اند مراجعه می‌کنند و چاره درد خود را از آن‌ها می‌جویند (شکورزاده، ۱۳۴۶: ۱۹۹). و اغلب آنها برای معالجه خویش به دلیل کمبود امکانات و نبودن دکتر در آن زمان به شرح ذیل عمل می‌کردند.

۳-۱-۱ - معالجات عامیانه

ترک پاشنه پا: برای معالجه ترک پا کمی پیه گرم می‌کنند و بر روی ترک می‌گذارند و روز بعد به حمام می‌روند و کف پای خود را حنا می‌بندند (همان: ۲۰۹).

درد گلو: یک سری اشخاص وجود دارند که اگر کسی مبتلا به درد گلو شود او را نزد آن‌ها می‌برند و آن شخص با دو انگشت سبابه خود گلوی بیمار را می‌فشارد تا معالجه شود.

درد گوش: برای معالجه درد گوش دود قلیان را در گوش بیمار فوت می‌کنند و یا یک مهر نماز را داغ می‌کنند و بر روی آن قرار می‌دهند.

اگر کودکی دچار درد گوش شد کمی شیر «شیر مادر» در گوش او می‌چکانند تا بهبود یابد.

چشم زخم: برخی این اعتقاد را دارند که اگر فردی بیمار شد و یا اتفاقی برای وی افتاد، او را چشم زده‌اند. برای این امر بر روی تخم مرغی با زغال نام اشخاصی که می‌تواند مورد حدس باشد را می‌نویسند و با قرار دادن یک عدد سکه در قسمت سر تخم مرغ آن را می‌فشارند تا تخم مرغ بشکند، اگر شکست چشم زده‌اند و اگر نشکست کسی به او نظر نکرده‌است (رجبی، ۱۳۸۴: ۱۹۵).

سکسکه: فرد برای معالجه آن یک لیوان آب به صورت یک نفس بنوشد و یا نان را بو بکشد سکسکه‌اش تمام می‌شود. گاهی به جای دادن دوا و دارو به او به دروغ نسبت دزدی می‌دهند و عقیده دارند که با این تهمت هول و ترس در او ایجاد می‌شود و سکسکه‌اش قطع می‌شود.

۲-۳- هواشناسی عامیانه

«اگر مورچه‌های پردار از لانه بیرون آیند باران خواهد آمد. اگر گله سریع علف بخورد گویند باران می‌آیند. اگر دور ماه هاله بگیرد و خیلی بزرگ باشد برف می‌آید. اگر قطره‌های باران به هنگام افتادن روی آب حباب ایجاد کند باران طولانی خواهد بود. اگر در شب عروسی باران ببارد رزق و روزی عروس و داماد فراوان می‌شود. اگر گنجشک‌ها در هوای آفتابی خودشان را به جوی آب بزنند و سر و کله خودشان را بشویند، باران خواهد آمد. اگر گنجشک‌ها روی بام خانه زیاد از حد ازدحام و سر و صدا کنند هوا منقلب خواهد شد. اگر در تابستان زیاد باد باشد در زمستان باران بیشتری خواهد آمد (همان: ۱۹۶).

۴- آیین‌ها

آیین‌ها و مراسم زیادی در این شهر وجود دارد که البته ممکن است در تمام استان خراسان جنوبی برابر باشد. این مراسم معمولاً به خاطر نزدیک بودن خانواده‌ها به یکدیگر، اتحاد و همکاری، کمک به یکدیگر و ... انجام می‌شده که ریشه این مراسم به گذشته باز می‌گردد. در اینجابه‌گونه‌ای مختصر به برخی از این آیین‌ها پرداخته می‌شود.

۱-۴- چهارشنبه سوری

در شب چهارشنبه آخر سال مجالس شادی به پا می‌کنند و آتش بر می‌افروزند، این آتش را در گذشته در پشت بام خانه‌ها روشن می‌کرده‌اند تا از یک قیام ملی خبر دهند و همگان را دعوت به قیام کنند. علت نام‌گذاری این روز به چهارشنبه سوری به این دلیل بوده‌است که مختار، سردار عرب، وقتی از زندان رها شد و به خون‌خواهی شهدای کربلا قیام کرد برای اینکه موافق و مخالف را از هم تشخیص دهد، دستور داد که شیعیان بر بالای بام خانه خود آتش روشن کنند که این مراسم مصادف بوده با چهارشنبه آخر سال که از آن به بعد مرسوم شد که این آیین را در شب چهارشنبه آخر سال اجرا کنند؛ اما امروزه در خانه‌ها بوته آتش می‌زنند و از روی آن می‌پزند (شکورزاده، ۱۳۴۶: ۶۳).

«در قدیم، در شهر قاین اینگونه بوده که هر خانواده مقداری همیزم به پشت بام برده و در یک کوزه مقداری آب، نمک، زغال و جو ریخته و در چهارگوشه پشت بام مقداری از آب این کوزه را می‌ریزند و بعد کوزه را محکم بر زمین می‌کوبند و می‌گویند:

«درد و بلا ای جم هتو کوزه ریزه او درد و بلا ای کوزه هتو کوچه ریزه»

و بعد از شکستن کوزه با شادمانی به طرف بوته‌ها رفته و آن را روشن می‌کنند و از روی آن می‌پزند و با صدای بلند می‌گویند:

«زردی من از تو سرخی تو از من»

و عقیده دارند که آتش باید به تدریج خاموش شود و خاکستر آن را بر سر چهارراهی می‌ریزند و اینگونه شورچشمی و سیاه‌بختی و تنگدستی را از خانه خود دور می‌کنند» (رجبی، ۱۳۸۴: ۱۹۲).

۲-۴- شب یلدا (چله)

در این شب معمولا همه خانواده‌ها به خانه بزرگ خاندان می‌روند و با شیرینی‌های محلی، تخمه آفتاب گردان، خربزه، هندوانه و انار از میهمانان پذیرایی می‌شود. از دیگر مراسم‌های این شب، بردن هدیه برای نوعروسان است. بازی‌های دسته‌جمعی، گل یا پوچ، چیستان و داستان‌های قدیمی بزرگان از دیگر برنامه‌های شب یلدا در قاین می‌باشد. یکی دیگر از مراسم‌ها «کف‌زنی» است که مخصوصا در شب یلدا آن را برگزار می‌کنند.

«کف زنی، نوعی شیرینی است که با زدن آب چوبک و شیرین کردن آن به دست می‌آید. برای تهیه این شیرینی محلی، مقداری چوبک که در گویش محلی به آن بیخ گویند (ریشه نوعی گیاه صحرایی است) که از دامنه مناطق سردسیر جمع‌آوری می‌شود. ریشه‌ها را کوبیده و چند بار در آب می‌جوشانند و چون این آب تلخ است آن را عوض می‌کنند و مجددا می‌جوشانند. این کار را آنقدر تکرار می‌کنند که تلخی آب گرفته شود. آب جوشیده سرد شده را در ظرف بزرگی به نام تغار می‌ریزند و به وسیله گز آن را به هم زده و سپس کف روی آن را جدا و در ظرف سفال دیگری قرار می‌دهند. آنقدر هم می‌زنند تا به صورت خامه درآید. مقداری شکر یا شیره انگور به آن مخلوط و مجددا به هم زده و آن را با مغز بادام و پسته و گردو تزیین می‌کنند» (رجبی، ۱۳۸۴: ۱۹۲).

۳-۴- مراسم سوگواری

معمولا وقتی کسی در بستر مرگ قرار گیرد پیش از مرگش، او را به سوی قبله دراز می‌کنند و شهادتین را برای او می‌خوانند پس از آنکه فوت کرد دست‌های او را در کنار پهلوهایش قرار می‌دهند، دو شصت پای او را با تکه پارچه کوچکی به هم می‌بندند. چشم‌ها و دهان او را نیز بسته و پارچه سفیدی بر روی جنازه او می‌کشند و قرآن را بر روی سینه او قرار می‌دهند و او را به غسل‌خانه می‌برند و او را غسل می‌دهند. بعد از آن تابوت را بر دوش گرفته و به قبرستان می‌برند و برای او نماز میت را می‌خوانند و او را در قبر گذاشته و لحد را با خشت می‌پوشانند و قبر را با خاک پر می‌کنند. بازماندگان و افراد حاضر در آنجا برایش فاتحه می‌خوانند (سعیدیان، ۱۳۶۹: ۷۷۸).

در مجلس ترحیم میت یا در خانه او و یا در مسجد مراسمی برایش برگزار می‌شود که در وسط اتاق پارچه‌ای پهن و در روی آن قرآن (سی‌پره) و خرما و حلوا قرار می‌دهند. و در مجلس ختم قرآن قرائت می‌شود و اقوام و آشنایان فاتحه می‌خوانند و در پایان مراسم روحانی سخنرانی می‌کند و درباره اخلاق نیکوی میت خطبه‌رانی می‌کند. تا روز سوم مرگ میت مراسم روضه‌خوانی برقرار است (به همین ترتیب) و صاحب عزا در جلوی درب منزل یا مسجد قرار می‌گیرد و دوستان و آشنایان که برای مراسم می‌آیند به بازماندگان تسلیت می‌گویند.

اگر مرده یک فرزند داشته باشد به عوض روز هفتم، ششم بر سرخاک مرده می‌روند؛ اما اگر بیش از یک فرزند داشته باشد هم روز هفتم، چهلم و سال او را به تعداد هر فرزند یک روز جلوتر مراسم برگزار می‌کنند.

۱-۳-۴- مراسم رمضان

در قدیم معمولا افراد با صدای خروس و مناجات مداحان بر روی پشت بام می‌فهمیدند که زمان سحری شده؛ اما امروزه تلفن و بلندگوهای مساجد جای آن را گرفته‌است. در این ایام جلسات قرائت قرآن برگزار می‌شود و هر کسی

سوره یس، توحید، الرحمن به او برسد در مجلس زنانه باید آتش یا قلور و در مجلس مردانه، شیرینی یا شام بدهد. از جمله مراسم‌های ماه مبارک رمضان، این بوده‌است که کودکان به درب خانه‌های همسایگان می‌رفتند و این اشعار را می‌خواندند

«رمضو یا رب یا رب رمضو رمضو اومد خوشنوم خدا
رمضو اومد مهمونش کنی بز و بزغاله قریونش کنی
روزه گیرم لاغر مشم گر نگیرم کافر مشم
رمشو یا رب یا رب رمضو رمضو اومد خوشنوم رمضو»
(رجبی، ۱۳۸۴: ۱۹۷).

«در شب‌های نوزدم، بیست و یکم و بیست و سوم مردم تا سحر بیدارند و به عبادت خدا مشغولند و قرآن بر سر می‌گذارند و در قاین در روز بیست و یکم ماه رمضان، مراسم نخل‌بندی اجرا می‌شود و با پارچه‌های رنگارنگی نخل را تزیین و آن را در چهارراه مسجد جامع شهر قرار می‌دهند و دایره‌وار با یک دست کمر بند یکدیگر را گرفته و با دست دیگر سینه زده و با آهنگ خاصی و حرکات موزون می‌خوانند

«یا عباس یا عباس جانم فدای عباس
ای جانثارم عباس ای شهریارم عباس
رفتی کجا برادر ای غمگسارم عباس
ای کوفیان بی حیا حسین چه کرده با شما
ای مونس غریبان سقای غم نصیبان
جز تو مرا معینی در کربلا نباشد
ای شهریارم عباس ای جانثارم عباس
(همان: ۱۹۹).

۲-۳-۴- چاووش خوانی

هرگاه افراد قصد سفر به مکه و کربلا می‌کنند مردم برای همراهی آن‌ها به سر چهارراه‌ها می‌روند و به همراه چاووش خوانان شعر را می‌خوانند:

هر که دارد هوس کربلا بسم الله هر که دارد سر همراهی ما بسم الله
بر مشامم می‌رسد هر لحظه بوی کربلا بر دلم ترسم بماند آرزوی کربلا
تشنه آب فراتم ای اجل مهلت بده تا بگیرم در بغل قبر شهید کربلا
(بهنیا، ۱۳۸۰: ۲۶۹).

۵-۴- سفره‌های نذری

۱-۵-۴- سفره بی بی سه شنبه یا سفره‌های بی بی حور یا بی بی نور:

«می‌گویند که بی بی حور و بی بی نور دو تا از دختران پیامبر بودند و بی بی سه شنبه یکی از زنان نیکوکار و معاصر آن‌ها بوده‌است. وجه تسمیه بی بی سه شنبه از آنجاست که این زن مقدس روز سه شنبه به دنیا آمده و روز سه شنبه ازدواج کرده و روز سه شنبه هم فوت کرده‌است. به همین جهت نام وی را بی بی سه شنبه گذاشته‌اند. این سفره را در همه ماه‌ها می‌توان انداخت جز در ماه‌های محرم و صفر» (شکورزاده، ۱۳۴۶: ۳۲).

«مراسم بدین نحو است که شب سه شنبه از خانه هفت فاطمه به صورت ناشناس مقداری آرد جمع کرده و آردها را الک کرده (ماشور) و در یک اتاق خلوتی روی زمین پهن می‌کنند و برای پختن آتش یک نعلبکی شکر یا خاک قند،

یک نعلبکی نمک، یک بشقاب نخود و کشمش، یک جانماز تمییز با مهر و تسبیح، قرآن و آئینه و وسایلی که برای آتش نذری لازم است، بعد از آن که این لوازم را بر روی سفره گذاشتند، چند عدد شمع روشن کرده و در دو طرف آئینه درون سفره قرار می‌دهند. بعد از آنکه سفره به این طریق حاضر شد، صاحب نذر وضو گرفته و در کنار سفره دو رکعت نماز حاجت می‌خواند، آن‌گاه از اتاق خارج می‌شود و در اتاق را قفل می‌کند تا فردا صبح که مراسم اصلی سفره، انجام گیرد، هیچکس نباید وارد اتاق شود. زن‌ها عقیده دارند که هرگاه خداوند بخواهد نذرشان را قبول کند، نصف شب، بی بی سه شنبه و بی بی حور و بی بی نور می‌آیند و روی آردها و نمکی که در سفره بوده، انگشت می‌زنند. به این جهت صاحب نذر برای اینکه بفهمد که نذرش قبول شده یا نه صبح زود وضو گرفته، وارد اتاق می‌شود و به آردها و و نمک‌ها نظر می‌اندازد اگر اثر انگشت یا جای تسبیح روی آردها یا نمک‌ها دید مطمئن می‌شود که نذرش قبول شده است. مدعوین بعد از صرف آتش دو رکعت نماز حاجت می‌خوانند» (همان: ۳۵-۳۲).

۲-۵-۴- نخود مشکل گشا

یکی از نذرهایی که معمولاً طبقه‌ی متوسط جامعه دارند و خرج و زحمت آن کم است آجیل مشکل گشا یا همان نخود مشکل گشا می‌باشد؛ هرگاه در کارشان گرهی ایجاد می‌شود نذر و نیت می‌کنند که بعد از برآورده شدن حاجت خود آجیل بین مردم تقسیم کنند.

۳-۵-۴- سفره حضرت ابوالفضل

«برای این سفره چهارده نوع غذا به نام چهارده معصوم تهیه می‌نمایند که از جمله آتش، عدس پلو، حلوا، شله زرد، سبزی، پنیر، نان، شیرینی، میوه و خورش خرما. تعدادی از اقوام و همسایگان روز قبل از مراسم فرد را در پخت و پز یاری می‌دهند. در ابتدای جلسه دعای توسل و بعد روضه حضرت ابوالفضل (ع) را خوانده و برخی حدیث کساء را قرائت می‌نمایند. بعد از آن دعا نوده و مواد غذایی سفره توسط مدعوین صرف می‌شود. بعضی افراد مقداری از مواد سفره را به عنوان تبرک به خانه برده تا خانواده‌اش از آن بهره‌مند شوند. بر روی شله زرد با دارچین نام پنج تن و ائمه را نوشته و صلوات می‌فرستند» (رجبی، ۱۳۸۴: ۲۱۰).

۴-۵-۴- قلور باران خواهی

این مراسم در خراسان و مناطق دیگر آن نیز وجود دارد. «از انجایی که پدیده خشکسالی هر چند وقت تکرار می‌شود و زندگی مردم را در معرض خطر قرار می‌دهد، برای رفع این معضل قلور باران خواهی می‌پزند. شیوه کار بدین نحو است که آدمکی را از پارچه‌های مندرس و ژولیده درست کرده، تعدادی از بچه‌ها به دنبال آدمک راه افتاده و این شعر را دسته‌جمعی می‌خوانند

«ای خدا بروک بروی او شلوک

تلوی ما تشنه شده ور کوه ور پشته شده

آب غدیرش میه چمچمه شیرش میه

گندم دزیر خاکه از تشنگی هلاکه

یا رب بده تو برو به حق شاه مردو

به رش میایه گل مشه گندم درو بیدل مشه

ای خدا بارو که باروی او شرو کو

رحمی به گوسفندو که ورجون چوپونو ک

چوپو پنیر مه یه نون و پتیر مه یه

یا رب بده تو برو به حق شاه مردو»
(همان: ۲۰۳ - ۲۰۲).

۵- گویش قاینی

یکی از گویش‌های خراسان جنوبی، گویش قاینی است که از لحاظ تاریخی ویژگی فارسی دری را حفظ کرده‌است؛ اما امروزه به علت مهاجرت‌های مردم از روستاها به شهر و تنوع قومی این گویش کم‌کم رو به فراموشی است (همان: ۱۷۳). این گویش‌ها ممکن است در مناطق خراسان جنوبی اغلب مشابه یکدیگر وجود داشته باشد زیرا این مناطق به خاطر نزدیک بودن به یکدیگر از هم تاثیر پذیرفته‌اند. در اینجا به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌کنیم.

دلنگو: آویزان

لِکِتُو: آویزان

قِلَف: قابلمه بزرگ، ظرف غذا

ماتیک: رژ لب

گُشِنِه: گرسنه

تُشِنِه: تشنه

چَلَسِه: مارمولک

لیسک: برهنه

نِکِل: کتری

مَقَس: مگس

لَق: برهنه

سُقَدِه ی تُو شَم: فدات شوم، دورت بگردم

تَرَقَسْت: صدای به هم خوردن چیزی

کِرچَسْت: صدای خوردن چیزی زیر دندان

شُلُو پَسْت: صدای افتادن چیزی در آب

کُورُو پَسْت: صدای افتادن جسمی سنگین بر روی زمین

آریک: لته

آجیر: هشیار

نَشُو: کثیف

پایه: آسمان قرنبه، رعد و برق

بَهُو: بازو

کُوش: کفش

آل کرده: راست آوردن، جور کردن

پتو کردن = انداختن

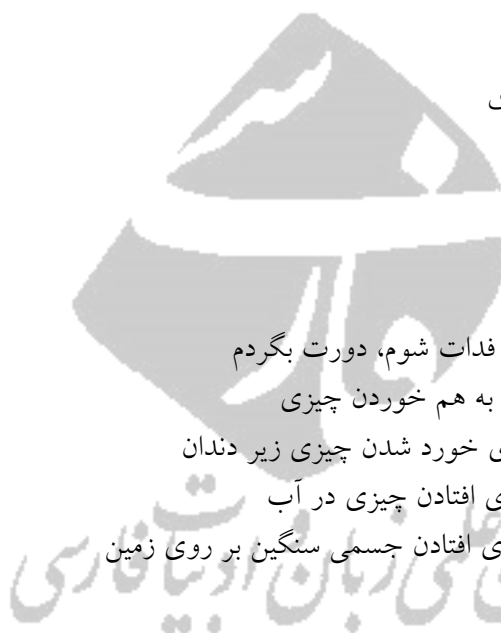
دستینه = النگو

حلقج = پرتاب کردن

لچک = روسری

جله = تگرگ

کل = سوراخ



جغ کردن = صدا زدن

حش = مادر زن

خسر = پدر زن

«خَلُو: دایی، آله: شبه جمله برای نفرت، مُسْمُسو: آهسته کار، خُفَه: سرفه، دوغخ: گرد و خاک، تَنبو: زیر شلواری، اوشلی: برنج آب کش شده، آتاس: آسمان صاف، بود: کامل و تمام، زله: لاغر و ضعیف، دَمَدول: مه آلود، دِ جا: زندانی کردن، قیق: فریاد بلند، داش: دوام، کُلوته: مقنعه، لمبوچ: گونه، ولشتن: لیسیدن، وِردار کردن: دیر کردن، نَه لی: تشک، مَلَم: نرم و ملایم، گوک: توپ، اِشتو: عجله، لِمشت: کثیف، جَلَسَقَه: جلیقه» (رجبی، ۱۳۸۴: ۱۷۵-۱۷۴).

تَپِست: صدایی که از فروافتادن چیزی به گوش می رسد. تَرُف: تعارف کردن، نمبو: شلوار، تَزَر: اتاق بزرگ و دراز ضربی پوش که بیشتر برای حیوانات می سازند (زمردیان، ۱۳۸۵: ۶۳-۵۸).

«خَلِیته: خریطه، کیسه پارچه ای، دِ خُو: خوابیدن، خَهو: خواهان و عاشق، خُو گوشی: سیلی» (همان: ۹۰-۸۸).

«قُطی: قوطی، گُرْدُم: دم بریده، کُتی: هندوانه نارس، کُفری: عصبانی» (زمردیان، ۱۳۶۸: ۱۷۹-۱۷۴).

۶- دوبیتی های قاینی

در بین مردم کوچه و بازار دوبیتی هایی با لهجه محلی وجود دارد که مردم آن را می خوانند و در واقع این اشعار نشان دهنده فرهنگ عامه آن هاست که به مناسبت های مختلف می خوانند.

« همیشه یاد رویت می کنم گل گلاب هستی و بویت می کنم گل
اگر صد یار جونی دشته باشم فدای تار مویت می کنم گل

چره امروی فردا میکنی گل چره غم د دلم جا می کنی گل
بتاونده تنور از خل طاق مه می سوزم تماشا می کنی گل
(ناصح ، ۱۳۷۷: ۱۰۴-۹۹).

« به مشد می روی رو و خدایک به پای پنجره ما ر دعاک
اگر خرجی ی راه ته کم آیه مره بفروش و ای دل ره رضاک
سر راهت نشینم همچه زاغ خودی دلبر کنم مشت مزاغ
اگر دلبر ز ما انگور تلوه به کنج لب بسازم چار باغ
(همان: ۵۸-۴۹).

«سفید مرغی بدم و ر شاخ پسته سیبه دستی زده بالم شکسته
فلک تیرم نزن بالم تو نشکن غبار بی کسی و ر مو نشسته»

«خداوندا دلم شیدایه امروز که یارم دوره و ناپیدایه امروز
کنار چشم مو حاصل بکاره که آب چشم مو دریایه امروز»
(بهنیا، ۱۳۸۰: ۲۷۷).

«به توی باغ باغبانی گنم مو به چوی نار چوپانی کنم مو
بگیرم بره از سردار قوچان برای یار مهمانی گنم مو»
(همان: ۲۷۸).

«بگفتم ساربونا بار بنداز به پشت قلعه دلدار بنداز
بینداز بارهای اُشترور به نزدیک سرای یار بنداز»

«حُسینا بار بنداز بار بنداز دم هر خونه‌ای یک نار بنداز
دم هر خونه‌ای یک نار شیرین برای شربت بیمار بنداز»

«بِنگار مَو نشسته وَ ر لب حوض به شیرینی خرما میشکنه جُوز
اگر چَرخ فلک از ما نگرده که آخر می‌کنم حرف خور سوز»
(ناصح، ۱۳۷۷: ۱۱-۵).

نوعی دیگر از دوبیتی به نام فراغی وجود دارد که با آهنگ و سوز در بین مردم رواج دارد.
«مضمون این اشعار غالباً از هجران و فراق و دوری از یار می‌باشد» (سعیدزاده، ۱۳۷۱: ۴۷).

۷- ضرب المثل‌ها

ضرب المثل‌ها در واقع تجربیات و باورهای گذشتگان ما است که به صورت داستان درآمده پر از پند و حکمت می‌باشد و با گذشت زمان به صورت ضرب المثل به دست ما رسیده‌است.

• «اگر کا از تو نیه کادو خُو از تو نه: اگر گاه از تو نیست کاهدان که مال توست؛ یعنی اگر خوردنی‌ها مفت است و خوردن آن را غنیمت می‌دانی و به فکر صاحب آن‌ها نیستی، شکم که مال خود توست چرا به فکر سلامتی خودت نیستی؟»

کاربرد: وقتی کسی به سفره‌ای برسد یا چیز مفت و رایگان گیر آورده و در خوردن آن به طوری افراط کند که ناخوش شود این عبارت برای سرزنش او به کار می‌رود» (زنگویی، ۱۳۹۱: ۱۴۴).

• آدم بید یک سوزنه وَر خُو زنه، یک جُول دوزه وَر دِگرون: باید درد مردمان را احساس کرد و هرچه برای خود می‌پسندی برای دیگران هم بیسندی.

• از بیکاری مَقَس کیش مُکُنه: شغل او درآمدی ندارد و از شدت بیکاری مگس می‌پراند.

• بچه چغوک مَدَر خُور جیک جیک یاد مده: کوچکتر نباید به بزرگتر از خود پند و اندرز دهد.

• اشکم ر اگر وَر هم گیری مُشْتیه اگر یله کنی دشتیه: اگر قناعت کنی شکم خرجی ندارد اگر دنبال پرخوری باشی شکم سیر شدنی نیست.

• همه جا تریک پی در روزه: وقتی از کسی چیزی انتظار نرود و او کار شگفت‌انگیزی انجام دهد این مثل برای او به کار می‌رود» (زمردیان، ۱۳۸۵: ۲۴۷).

• «از بس گرمه خر مَقسه موکنه: این مثل در موردی به کار می‌رود که بخواهند گرمی هوا را توصیف کنند و اگر کسی در هوای گرم بخواهد لباس گرمی بپوشد، این مثل برای او آورده می‌شود» (همان: ۲۰۹).

• خَم به ابرو نمی‌آره: صبر و تحملش زیاد است.

• اگر یکی بیه خُور دِ ته چاه بندزه تو هم بید بندزی: نباید از کارهای نادرست دیگران پیروی کنی.

• از آسمو اگر کِتَل بیره یکه ور کله ما نَمُفته: بخت و اقبال با ما همراه نیست.

• آجَل ور دُور کله یی مگرده: کارهایی انجام می‌رهد که ممکن است برای او حادثه‌ای ناگوار رخ دهد.

• آدم بید زبون خُور دور دهن خُو بچرخونه، او دم گپ زنه: با تامل و سنجیده سخن بگوید.

• «اُشتر که خار میه پوز خُور دراز مُکُنه: شتری که خار می‌خواهد دهانش را دراز می‌کند؛ یعنی برای رسیدن به آن چیزهایی که می‌خواهیم باید کار و تلاش بکنیم، نمی‌شود به امید دیگران نشست» (زنگویی، ۱۳۹۴: ۲۴۷).

• از بد بننالی که از بد بدتر ایه ؛ یعنی باید اتفاقات ناگواری که رخ می‌دهد را پذیرفت و بر آن‌ها صبر کرد.

- آتش از گور خودی ورمیه؛ یعنی مقصر اصلی خود آن شخص است.
- پرسه به عوض؛ عروسی به هوس
- اسوده کسی که خر نداره، از گاه و جو شم خبر نداره؛ یعنی کسی که درگیری خاصی نسبت به مال دنیا ندارد که به خاطر آن رنج و زحمت بکشد.
- از دنده چپ و ر خسته: یعنی از اول صبح تا آخر شب بد رفتاری می کند و روی خوشی به دیگران نشان نمی دهد.
- اگر مایی کنی مزه خور به دونگی ورزه: اگر می خواهی خود را پیش کسی شیرین کنی خود را به دیوانگی بزنی.

۸. نتیجه گیری

باورهای عامیانه مجموعه‌ای از دانش‌ها و اعتقادات مردم است که به نوعی دانش مردمان کهن را بیان می‌کند؛ و از عناصر فرهنگ و هویت ملی جامعه به شمار می‌آید. اغلب این آداب و رسوم و باورها از زمان‌های کهن سرچشمه گرفته و هنوز باقی و زنده مانده‌اند و در سرزمین طلای سرخ جلوه‌ای دیگر به خود گرفته‌اند و ریشه آن‌ها به داستان‌ها، حکایات، ضرب‌المثل‌ها و ... برمی‌گردد که بیانگر ایده و افکار عصر کهن است و همین امر سبب شده است که این دسته از باورها که استدلال عقلی و منطقی ندارند و تنها به صورت باور عامیانه در آمدند، رواج یابد. امروزه بر اثر رشد و توسعه جوامع و مهاجرت مردم به شهرها و دستیابی به وسایل ارتباطی و رادیویی و حس تقلید جویانه از یکدیگر و ... موجب شده که کم کم این گونه باورها از بین برود و فرهنگ مردم روز به روز اصالتش را از دست دهد. نگارنده برای اینکه به کشور خود کمک کرده باشد و فرهنگ خودش را حفظ کند به جمع‌آوری فرهنگ عامیانه دیار خویش پرداخته است. علی‌رغم این مطالب سرزمین حاصلخیز مردمان با فرهنگ خراسان جنوبی همچنان بکر باقی مانده که امید است پژوهشگران به این سرمایه معنوی اهتمام مضاعف نموده و به موضوعاتی از قبیل پرداختن به افسانه‌های محلی خراسان، ترانه‌های روستایی که سرشار از عشق است و در مضامین خاصی بیان می‌شود توجه گردد.

منابع و مآخذ

۱. آیتی، شیخ محمد حسین؛ *بهارستان در تاریخ و تراجم رجال قاینات و قهستان*؛ چاپ دوم، مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی، ۱۳۷۱.
۲. انجوی شیرازی (نجوا)، سید ابوالقاسم؛ *جان عاریت فرهنگ عامه، پژوهش‌های ادبی، مردم‌شناسی*؛ به کوشش میهن صداقت پیشه؛ چاپ اول، تهران: نشر و پژوهش فرزانه روز، ۱۳۸۱.
۳. بهنام‌فر، محمد و دیگران؛ *فرهنگ تحلیلی اصطلاحات و تعبیرات کنایی گویش اسفاد*؛ چاپ اول، بیرجند: نشر چهار درخت، ۱۳۹۴.
۴. بهنیا، محمدرضا؛ *بیرجند* نگین کشور؛ چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۰.
۵. بیهقی، حسینعلی؛ *پژوهش و بررسی فرهنگ عامه ایران*؛ مشهد: مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۶۵.
۶. رجیبی، نجیب‌الله؛ *تاریخ و جغرافیای شهرستان قاینات (توانمندی‌ها و استراتژی‌های توسعه)*؛ چاپ اول، تهران: انتشارات شهرآشوب، ۱۳۸۴.
۷. رضایی، جمال؛ *بیرجند نامه*؛ به اهتمام محمود رفیعی؛ چاپ اول، بی‌جا: انتشارات هیرمند، ۱۳۸۱.
۸. زمردیان، رضا؛ *زبان‌شناسی عملی بررسی گویش قاین*؛ مشهد: معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی، ۱۳۶۸.
۹. *واژه نامه گویش قاین*، ویراستاری شیدا قدوسی؛ چاپ اول، تهران: نشر آثار، ۱۳۸۵.
۱۰. زنگویی، حسین؛ *دستان‌ها و داستان‌ها*؛ مقدمه محمد مهدی ناصح؛ چاپ اول، تهران: فکر بکر، ۱۳۹۱.
۱۱. زنگویی، حسین و ناصح، محمد مهدی؛ *امثال و حکم مردم خراسان جنوبی*؛ چاپ اول، تهران: فکر بکر، ۱۳۹۴.
۱۲. سعیدزاده، سید محسن؛ *تاریخ قاین*؛ چاپ اول، جلد ۱، قم: فرا نشر، ۱۳۷۱.

۱۳. سعیدیان، عبدالحسین؛ *سرزمین و مردم ایران*؛ چاپ چهارم، تهران: انتشارات علم و زندگی، ۱۳۶۹.
۱۴. شکورزاده، ابراهیم؛ *عقاید و رسوم عامه مردم خراسان*؛ بی جا: انتشارات بنیاد و فرهنگ ایران، ۱۳۴۶.
۱۵. شیخی، فاطمه و فرخی، فاطمه؛ «*قاینات در گذر تاریخ*»؛ تاریخ پژوهی، ش ۱۸، بهار ۱۳۸۳؛ ۱۰۳-۸۵.
۱۶. صادقی، محسن؛ «*پاره‌ای از ویژگی‌های واژگانی گویش زیرکوه قاینات*»؛ مطالعات فرهنگی اجتماعی خراسان، ش ۱، ۱۳۸۵؛ ۹۰-۸۱.
۱۷. میرزایی، طاهره؛ «*آیین باران خواهی در خراسان جنوبی*»؛ مطالعات فرهنگی اجتماعی خراسان، ش ۱۵ و ۱۶، بهار و تابستان ۱۳۸۹؛ ۲۰۹-۱۸۶.
۱۸. ناصح، محمد مهدی؛ *دوبیتی‌های عامیانه بیرجندی*؛ چاپ اول، مشهد: انتشارات محقق، ۱۳۷۷.

